

پاسخ به سؤال‌های گروه فرهنگی روزنامه قدس

رضا منصوری

۲۵ بهمن ۱۳۸۷

۱. سیاست‌گذاری علمی در ایران باید مبتنی بر شناخت برهه تاریخی و دینامیک جامعه ما باشد. ما هنوز از درک علم نوین فاصله داریم، هنوز "اجتماع علمی" در ایران نداریم، و هنوز "گفتمان علمی" تحقق نیافته است. پس باید در جهت ایجاد اجتماع علمی بکوشیم. در این راه باید بسیار بیاموزیم و برای این آموزش سیاست‌گذاری کنیم. سیاست تشویق مقالات بین‌المللی را باید در این متن سیاست‌گذاری درک کرد.

هشت سال پیش کمتر از ۵ درصد مدرسان و پژوهشگران ما مقاله می‌نوشتند. بنابراین در عرف علمی بین‌الملل باید گفت ما هیچ حضور علمی نداشتیم. سیاستی لازم بود که مقاله‌نویسی تمرین بشود. نام این دوره را من "مشق علم" گذاشتم. الان که مقاله‌نویسی "مد" شده است تازه تنها حدود ۱۵ درصد مدرسان دانشگاهی و پژوهشگران ما مقاله می‌نویسند، یعنی نتایج تحقیقات خود را منتشر می‌کنند. پس ما هنوز از مقدمات تولید مؤثر علم در جهان بسیار فاصله داریم، گرچه رشد ما هنوز چشمگیر است.

۲. یک معنی فقر عدم تولید است. ما در عمل تولید مفهومی نداشته‌ایم که ثروتی داشته باشیم. قرن‌ها است که سکوت علمی در جامعه‌های اسلامی، نه فقط ایران حکم‌فرما است، و دو قرن است که با ظاهر مفهوم‌های علم مدرن دست به‌گریبانیم.

۳. برای رفتن از راه میان‌بر باید راه را بشناسیم. ما در ایران هنوز علم و راه با علم شدن را نمی‌شناسیم، پس هر راه که خیال کنیم میان‌بر است، گمراه است نه راه راست! چهار سال است نهاد سیاست‌گذاری علمی را تعطیل کرده‌ایم. تجربه دو دوره سیاست‌گذاری بعد از انقلاب را به فراموشی سپرده‌ایم. اینگاری اعضای این دو دوره سیاست‌گذاری علمی در جمهوری اسلامی از قوم ظالمون بوده‌اند! اما من سؤال می‌کنم: کسانی که سیاست‌گذاری علمی را تعطیل می‌کنند و تجربه‌های دو دهه انقلاب را نمی‌خواهند ببینند چه تفاوتی با عمل کشورهای استکباری دارند که ما را تحریم می‌کنند و در بعضی رشته‌های دانشگاهی را به‌روزی جوانان علاقه‌مند ما می‌بندند؟ ما خود خودمان را تحریم کرده‌ایم! برای رفع عقب‌ماندگی هم خواستن لازم است، هم تدبیر، و هم بینش!

۴. در مورد تفاوت ویژگی‌های علم نوین و علم سنتی، که ما هنوز درگیر آن هستیم، در مقاله‌ای به تفصیل نوشته‌ام. علاقه‌مندان می‌توانند به وبگاه من مراجعه کنند: www.rmansouri.ir

۵. در بیان تفاوت‌های علم نوین و علم سنتی تعریف دانش را برابر مجموعه دانسته‌هایی گرفته‌ام که در هر زمان از فرایند علم حاصل می‌شود. علم اما فرایندی است پیچیده که یکی از محصولات آن دانش است. یکی دیگر دانش ضمنی است که ما کاملاً به آن بی‌توجهیم.

۶. دانش بومی مفهوم خوش‌تعریفی است. علم، اما، به‌عنوان یک فرایند اجتماعی، مستقل از کشور، فرهنگ، و قوم است. در فرایند جهانی علم می‌توان به دانش‌هایی رسید که وابسته به اطلاعات جغرافیایی یا فرهنگی یا اقلیمی خاص است. علم هواشناسی جهانی است، اما اقلیم ایران وابسته به بوم ایران است!

۷. در چند دهه اخیر به‌علت پیشرفت‌های علمی و فنی فاصله زمانی میان علم و فناوری کوتاه شده است، اما تمایز این دو مفهوم حفظ شده است. متأسفانه ما در ایران، شاید به‌علت شتاب‌زدگی در رفع عقب‌ماندگی‌های مزمَن خودمان، نه تنها فناوری، که صنعت را جزو علم می‌شماریم. متأسفانه مسئولان ما هم به این خلط مفاهیم دامن می‌زنند، و این اشتباه بیش از آن چیزی است که در عرف سیاسی و رسانه‌ای هم بتوان از آن چشم پوشید، چه رسد به عرف دانشگاهی.

۸. ژاپنی‌ها بسیار زود، یعنی در قرن نوزدهم، شروع کردند به ترجمه متون بنیادی معرفت، تفکر، و علم اروپایی. اکنون پس از صدسال اثر این کارهای بنیادی را در علم و فناوری ژاپن می‌بینیم. ما هنوز این دوران را شروع نکرده‌ایم. هنوز متون بنیادی که تفکر انسان غربی را متحول کردند به فارسی برگردانده نشده‌است. حتی هنوز ما به این درک اجتماعی نرسیده‌ایم که ترجمه این متون اهمیت بنیادی دارد. هنوز خیال می‌کنیم که در طی ۵ سال با چند خبر خوش علمی می‌توانیم ابرقدرت علمی دنیا بشویم. هنوز بعضی، مانند زمان ناصرالدین شاه، خیال می‌کنند ما در زمینه تفکر بسیار چیزها داریم که به غرب بیاموزیم.

۹. مؤسسات علم‌سنجی دنیا، از جمله ISI، کمابیش پایگاه اطلاعات هستند. اینکه ما چه استفاده‌ای از اطلاعات بکنیم به خود ما برمی‌گردد. اگر پایگاه هواشناسی در فلان ناحیه ایران دما را ۱۵ درجه زیر صفر نشان بدهد آیا می‌گوییم که غلط کرده است، هوا این قدر سرد نیست، اعمال سیاست کرده‌اند، و...؟

۱۰. تعداد مقاله‌ها تنها معیار علم‌سنجی نیست. همان‌گونه دما تنها معیار مشخص‌کننده وضع اقلیمی یک منطقه نیست. بسته به مدل علم‌سنجی، تعدادی پارامتر برای وضعیت علمی یک کشور تعریف می‌شود که معمولاً بیش از ده عنوان است. ما در وزارت علوم در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴ شانزده پارامتر علم‌سنجی تعریف کرده بودیم که بسته به اهمیت و اولویت، سیاستگذاری برای آنها را شروع

۱۱. بزرگنمایی مشخصه جوامع یا گروه‌هایی است که عقده عقب‌ماندگی دارند. همین وضعیت را در دوران شوروی شاهد بودیم. همه ساله موقع جشن‌های انقلاب اکتبر همه نوع آمار رشد، و بزرگنمایی‌ها اعلام می‌شد. اینها از علائم رشد علمی نیست، بلکه از علائم عقده حقارت است. متأسفانه اخبار خوش علمی چند سال گذشته به رشد جدی ما لطمه عمیقی زده است. دستاوردهای سی سال زحمت و جدیت افرادی بی‌شمار به‌سخره گرفته می‌شود. شوخی کردن با علم و فناوری به آینده ما لطمه می‌زند. جنگ تحمیلی دوغ و دوشاب را از هم جدا کرد و ما دوباره داریم آن را هم می‌زنیم!

۱۲. کافی است به دانشگاه‌ها بیایید ببینید جوانان فعال و با استعداد چگونه از این اخبار افسرده شده‌اند و راه دانشگاه‌ها و جوامع بیگانه را در پیش می‌گیرند.

۱۳. سرقت علمی ناشی از شتاب ما برای تولید علم نیست، بلکه ناشی از سهل‌انگاری ما در توسعه دانشگاه‌ها و جذب هیأت علمی است. استادی که تشخیص ندهد رساله دانشجویش در خیابان انقلاب خریداری شده، یا تشخیص بدهد ولی منافع خودش اجازه ندهد دم برلب آورد، آبروی دانشگاه و هیئت علمی را می‌برد. و از این نمونه‌ها ما کم نداریم. دانشگاهی هم که سرقت مقاله هیئت علمی خودش را تحمل می‌کند و روی آن چشم می‌پوشد دانشگاه نیست. همین روال این سرقت‌ها و شناختن قباحات این رفتارها بیانگر آن است که ما نمی‌دانیم علم چیست!

۱۴.؟

۱۵. پیامک زیبایی به‌خاطر ندارم!